

کارکردهای معنوی توکل به خدا در قرآن و روایات

عبدالهادی فقهی زاده^۱

محمود واعظی^۲

سمانه خطیریان^۳

چکیده

در آیات قرآن و روایات به جنبه‌های معنوی توکل به خدا توجه ویژه‌ای شده است و این نشان می‌دهد که تا چه اندازه توکل به خدا و باور به آن، از لحاظ روحی می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی انسان راهگشا باشد؛ از این رو در این مقاله ضمن بیان مفهوم توکل به خدا از دیدگاه قرآن و روایات، به بیان مهم‌ترین کارکردهای معنوی توکل به خدا پرداخته ایم، که عبارتند از: عزت و محبوبیت نزد خدا، آرامش و اطمینان قلبی، عزت اجتماعی و احساس بی‌نیازی از دیگران، تقویت متوکلان در مقابله با شیطان‌های درون و برون، برخورداری از امدادهای غیبی خدا، افزایش استقامت و پایداری روحی، تسهیل امور در پرتو اعتماد به خدا، توسعه رزق معنوی، افزایش رضایتمندی از زندگی و بهره‌مندی از رضایت الهی.

کلید واژه‌ها: توکل، کارکردهای معنوی توکل، قرآن و روایات.

۱) دانشیار دانشگاه تهران

۲) استادیار دانشگاه تهران.

۳) کارشناسی ارشد علوم و حدیث



مقدمه

از نظر قرآن یکی از سرمایه های سعادت و موفقیت در انسان، توکل بر خداوند است. توکل به خدا عامل مهمی در تقویت روح بشر است. در قرآن نیز آیات زیادی وجود دارد که مردم را به توکل تشویق می کند. هر جا که قرآن در نظر دارد که بشر را وادار به عمل کند، و ترس ها و بیم ها را از انسان بگیرد، می گوید نترس و توکل به خدا کن، و در همه امور تکیه ات به خدا باشد. توکل به خداوند نقش بسیار مؤثری در امور معنوی و تربیتی آدمی دارد، که بی توجهی به این جنبه، می تواند آثار زیان باری در تربیت روحی و مادی او به دنبال داشته باشد. با توجه به کارکردهای معنوی توکل به خداوند، ارزش و جایگاه توکل در زندگی انسان مشخص خواهد شد. و این خود نشان می دهد که تا چه اندازه توکل به خدا و باور آن می تواند در زندگی فردی و اجتماعی انسان راهگشا و مؤثر باشد. از این رو در این مقاله سعی شده است تا کارکردهای معنوی توکل به خداوند را از دیدگاه قرآن و روایات بیان نماییم.

مبانی نظری

روش تحقیق در این مقاله بنا بر ماهیت امر و موضوع تحقیق، روش کتابخانه ای و اسنادی است. روش جامع آماری و ابزار جمع آوری اطلاعات در این روش همه اسناد مکتوب است. منابع مورد استفاده در تحقیق حاضر، کتاب ها و منابع اخلاقی، تفسیری و روایی می باشند و از منابع مهم و معتبر در این تحقیق استفاده شده است.

۱- بیان مسئله

توکل به خدا یکی از مفاهیم اخلاقی است که به لحاظ معنوی نقش مؤثری در شئون زندگی فردی و اجتماعی آدمی دارد و بی توجهی به آن می تواند آثار زیان باری در تربیت روحی و مادی او به دنبال داشته باشد. با توجه به کارکردهای معنوی توکل به خدا، ارزش و جایگاه توکل در زندگی انسان مشخص خواهد شد. در این میان آموزه های قرآن و سخنان اهل بیت (ع) از اهمیت ویژه ای برخوردارند؛ زیرا عملاً به این موضوع پرداخته و به نکات مهمی در این زمینه

توجه داده اند، چنان که تأمل در آنها می تواند راهگشای انسان در مسیر زندگی قرار گیرد. بر این اساس در این نوشتار برآنیم که ضمن بیان مفهوم توکل در آیات و روایات، به بیان مهمترین کارکردهای معنوی توکل از دیدگاه قرآن و روایات پردازیم.

۲- مفهوم شناسی توکل

توکل از ماده «وَكَلَّ» به معنای واگذار کردن یا واگذاشتن کار خویش به دیگری است و «توکیل» به صورت خاص به معنای اعتماد کردن یا سپردن کارها به خداست. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۰۵/۵). «توکل» در صورتی که با «علی» متعدی شود، به معنای اعتماد و تفویض امر است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۰).

برخی حقیقت توکل را اظهار ناتوانی و اعتماد به دیگری دانسته اند؛ چنان که کسی در اثر ناتوانی، کارش را به دیگری بسپارد. (جوهری، ۱۴۰۴: ۱۸۴۵/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۳۶/۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۸۶۱۵). برخی نیز علاوه بر ناتوانی، عنصر ناآگاهی را در مفهوم «توکل» جای داده اند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۹۴/۵) در این معنا ضرورت توکل از این جهت است که انسان در کارهای پیچیده و سخت که نه نسبت به آن آگاهی کامل دارد و نه می تواند آن را به تنهایی انجام دهد، به شخصی آگاه و توانا تکیه می کند؛ به عبارت دیگر «توکل» یعنی اینکه: «فرد با درک ضعف و ناداری خویش، به یک کاردان لایق اعتماد ورزد و امر خود را به او بسپارد» (مصطفوی، ۱۳۳۸: ۱۳/۱۹۲). استاد مطهری ضمن اشاره به این نکته که در همه جای قرآن فقط «توکل» آمده نه توکیل تصریح می کند که «در استعمالات قرآنی «توکل» با «علی» به کار رفته و از این رو، عبارتی مانند: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» یعنی من این کار را به عهده گرفتم به اتکاء پروردگار، نه اینکه از عهده خود برداشتم و به عهده او گذاشتم» (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۵).

پس این گونه می توان دریافت که «توکل» در مفهوم اصطلاحی خود یعنی، اعتماد قلب به خدا در جمیع امور (نراقی، ۳/ ۲۱۸) یا انجام دادن همه امور لازم در حوزه تدبیر فردی و اجتماعی و واگذاری نتیجه امور به خدا در حوزه خارج از دسترس انسان. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۲۵۶/۵)؛ از این رو، به تعبیر گروهی دیگر از دانشمندان، «توکل» حالتی است مؤمنانه که در اثر ایمان به خداوند در دل جوانه می زند و به معنای اعتماد محکم و استوار به خداوند حکیم

است؛ (غزالی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۹)؛ چنان که در اصطلاح اخلاق به این معناست که: انسان تمام امور خود را به خدا بسپارد و از غیر خدا قطع امید کند. پس در این معنا نیز به کارگیری اسباب با توکل منافاتی ندارد، به شرط آنکه انسان به اسباب تکیه نکند، و آرامش و سکونش تنها با نام خدا باشد (شبر، ۱۳۹۵ق: ۲۷۶).

۳- مفهوم توکل در آیات و روایات

توکل در مرحله درک، غامض و پیچیده به نظر می‌رسد و عمل به آن نیز دشوار است. سبب دشواری شناخت و عمل به آن این است که توجه به اسباب و اعتماد بر آنها، شرک عملی را به دنبال دارد و به کلی اسباب را نادیده گرفتن و بی‌اعتنایی کامل به آنها، ضربه زدن به سنت و بدنام کردن شریعت است. (همان، فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۳)؛ به عبارت دیگر، هرگاه بخواهیم اسباب را در آن دخالت دهیم و به آنها اعتماد کنیم، مسلماً به راه شرک رفته ایم که با توحید واقعی ناسازگار است و شرع از چنین معنایی جلوگیری کرده است (همان، ۲۵۳).

پیامبر اکرم از جبرئیل پرسید: توکل بر خدای عزوجل چیست؟ در پاسخ گفت: اینکه بدانی مخلوق نه زبانی می‌زند، و نه سود میرساند، نه می‌دهد و نه جلوگیری می‌کند، و ناامیدی از خلق را شیوه خود ساز. پس هرگاه بنده چنین باشد به کسی جز خدا تکیه نکند، و جز برای خدا کاری نمی‌کند، و نمی‌ترسد جز از خدا و به کسی غیر خدا چشم طمع ندارد و حرص و طمعش به خدا خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۸/۶؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۱/۲: ۱۳۴). با توجه به این حدیث چند صفت برای متوکلان حاصل می‌شود:

- ۱- علم به اینکه نفع و ضرر مخلوقات به دست خدا است؛ ۲- قطع امید از مخلوقات و امیدواری به خدا؛ ۳- تنها برای خدا کار کردن؛ ۴- جز از خدا ترسیدن.

از امام صادق نقل شده است که لقمان در نصیحت به پسر خود گفت: ای فرزندم، دنیا دریایی عمیق است که عالمان بسیاری را هلاک کرده است. پس در این دنیا ایمان به خدا را کشتی خود قرار ده و توکل به خدا بادبان این کشتی، و تقوای الهی توشه راحت باشد؛ اگر نجات یافتی به رحمت خداوند است و اگر هلاک شدی، در اثر گناهانت هلاک شده‌ای. (طبرسی، ۱۴۲۵ق: ۲۵۴؛ حرّانی، ۴۴۳).

اما اینکه توکل از مراتب ایمان و از شاخه‌های توحید افعالی است؛ یعنی عقیده به اینکه نظم

و تدبیر جهان بر محور خواست و ارادهٔ پروردگار می چرخد، و آفریده‌های به طور مستقل در آفرینش مؤثر نیست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۳/۲۴۷).

در قرآن کریم رابطه‌ای مستقیم بین ایمان و توکل برقرار است؛ چنان که می فرماید:

«وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۲۳) «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ». (آل عمران/۱۲۲، ۱۶۰؛ المائده/۱۱؛ الانفال/۴۹؛ الأبراهیم/۱۱؛ التوبه/۵۱؛ المجادله/۱۰). از امام علی (ع) نقل است که ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خدا، واگذاری کار به خدا، راضی بودن به قضای خدا و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۲/۴۷). امام صادق در پاسخ به سؤال از تعریف و چیستی توکل فرمود: «هر چیزی حد و تمیزی (از غیر خود) دارد. حدّ توکل، یقین است و حد یقین این است که با وجود خدا از هیچ کس نترسی (همان ۵۷؛ مجلسی ۱۴۰۴ ق: ۷۱/۱۵۶).

اینکه در احادیث حدّ توکل، یقین شمرده شده، به این مفهوم است که اگر به علم و قدرت و حکمت و رحمت بی پایان خدا یقین داشته باشیم، حتماً به او توکل و امور خود را به او واگذار می کنیم. از امام کاظم دربارهٔ قول خدا: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» نقل شده است که فرمود: توکل بر خدا درجاتی دارد: ۱- این که همهٔ امور خود را به خداوند واگذار کنی و در تمام امورت به او اعتماد کنی، و هرگونه با تو رفتار کرد از او راضی و خشنود باشی، و بدانی که او از هیچ خیرخواهی و فضل و بخششی نسبت به تو کوتاهی نمی کند؛ ۲- اینکه بدانی، که او حاکم بر امور توست، و در این باره حکم، حکم اوست؛ ۳- پس با واگذاری کارهایت به خدا بر او توکل کن و در همهٔ اینها و غیر اینها به او اعتماد داشته باش (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۲/۶۵).

بنابراین می توان دریافت که مفهوم صحیح «توکل» در لسان شرع آن است که قلب در تمام امور به خدا اعتماد کند و از غیر او منقطع باشد، از این رو، تحصیل اسباب با توکل منافاتی ندارد؛ مشروط بر اینکه انسان بر اسباب تکیه نکند و آرامش و سکونش تنها با نام خدا باشد. چون خدا می تواند بدون این اسباب و وسائل نیز مطلوبش را از طرق دیگر عطا کند، چنان که می تواند اسباب را چنان بی تأثیر کند که دیگر اثر طبیعی خود را نداشته باشد (شبر، ۱۳۹۵ ق: ۴۲۵) با این همه، واقعیت آن است که سنت الهی بر دخالت و وساطت اسباب جاری شده و چنین

مقرر گردیده که هر کاری از مجرای طبیعی خود به انجام رسد؛ چنان که امام صادق (ع) فرمود: «خدای متعال دوست دارد بندگانش مقاصد خود را از راه هایی که معین کرده، و مردم را به آنها امر نموده از او بخواهند، چنان که فرمود: «خُذُوا حِذْرَكُمْ» (النساء/۱۰۲) و در کیفیت نماز خوف فرمود: «وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتْهُمْ» (همان)؛ در جایی دیگر نیز فرمود: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (الانفال/۶۰) و به حضرت موسی خطاب کرد: «فَأَشْرِبِعَادِي لَيْلًا» (الدخان/۲۳).

بر این اساس، کسی که اعتقاد قلبی پیدا کند که غیر خدا فاعلی نیست و هیچ قوه و قدرتی جز از جانب او نیست، و او برای کفایت بندگان خویش، هم علم و قدرت کامل دارد، و هم به همه بندگان، توجه و عنایت تمام و بداند که برتر از قدرت او قدرتی، و بالاتر از علم او علمی، و بالاتر از توجه او توجهی نیست، حتماً قلبش بر خدا تکیه خواهد کرد و به غیر او نه در ظاهر و نه در باطن توجه نخواهد کرد (همان، ۴۲۸).

۴- کارکردهای معنوی توکل به خدا در قرآن و روایات

۴-۱- عزت و محبوبیت نزد خدا

از دیدگاه قرآن کریم در سایه توکل به خدا، شخص متوکل محبوب خدا قرار می‌گیرد؛ زیرا خدا در قرآن فرموده است که: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)؛ پس معلوم می‌شود دارنده توکل مورد محبت خدا و مشمول کفایت اوست و کسی که خدا کفایت کننده و دوستدار و نگهبانش باشد به پیروزی بزرگی دست یافته است (فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۴۶۶/۷).

اینکه خدا متوکلان را دوست دارد از آن جهت است که آنان به خدا و اوصاف او معرفت یافته و امرشان را به او سپرده اند و در نتیجه خداوند هم آنان را به خیر و صلاحشان هدایت و خواسته‌های آنها را برآورده می‌کند؛ هرچند ممکن است در بعضی موارد کارها برخلاف میل و خواسته انسان انجام گیرد؛ ولی انسان متوکل می‌داند که هرچه خدا برایش خواسته همان به خیر و صلاح اوست؛ چنان که فیض کاشانی ذیل همین آیه می‌گوید: «خدا متوکلان را دوست دارد، پس آنان را یاری می‌کند و نصرت و پیروزی را در زمینه‌های مختلف

نصیب آنان می گرداند، و آنان را به راه صلاح و رستگاری هدایتشان می کند» (همان، ۱۴۳/۲). این مرتبه شاید بالاترین مقام توکل باشد، و آن توکلی است که برای سالک، بعد از مقام «فناى کلی» و «بقای بالله» دست می دهد. سالک در این مقام در عین اینکه در کثرت واقع است، در «توحید جمع» مستغرق است، و در عین حال که تصرفات موجودات را تفصیلاً می بیند، جز خدا، موجودی را متصرف نمی بیند و از این رو، با این بیان که «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»، محبوبیت متوکلان در نزد خدا ثابت شده است (امام خمینی، ۲۱۹).

بر این اساس، گروهی از دانشمندان توکل را علامت صدق ایمان برشمرده اند؛ زیرا متوکل، عظمت و قدرت خداوند را ملاحظه می کند و اعتقاد دارد و بر آن است که همه به خدا محتاج و نیازمندند و از همین رو، متوکل حاجت خود را فقط از خدا می طلبد و به غیر خدا توجهی ندارد. این ادب عظیم متوکل در برابر خالق، نشان دهنده محبت او نسبت به پروردگار است، و به همین خاطر، متوکل، محبوب خدا می شود و خدا نیز او را دوست دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰:ق/۳/۲۷۱). از طرف دیگر، متوکل چون همواره خود و کارش را به خدا می سپارد و همه نیروها را یکسر از خدا می داند، به مقام «محبوب خداوند بودن» نائل می شود که در عالم هیچ چیزی شیرین تر و با ارزش تر از آن نیست و این نهایت قرب بنده به خدا است (سید قطب، ۵۰۳/۱).

۴-۲- آرامش و اطمینان قلبی

بی تردید ایمان و توکل بر خداوند در آرامش و امنیت روحی بشر تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا «توکل» یعنی واگذاری همه امور به خدا که یکی از راه های کسب آرامش به شمار می رود. متوکلان همواره از آرامش روحی برخوردارند؛ چرا که متکی به نیروی عظیم الهی هستند و خدا را تنها پشتیبان خود می دانند (همان، ۱۴۷/۱).

قرآن کریم در ماجرای حضرت موسی می فرماید: «فَلَمَّا تَرَاءَ الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» و «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ (الشعراء / ۶۱-۶۲). وقتی قوم خسته موسی، خود را با فرعونیان رو در رو دیدند که آنان را دنبال می کنند، از ترس بر خود لرزیدند و در آن هنگام گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شده ایم، و توان مقابله با قوم فرعون را

نداریم؛ ولی حضرت موسی با آرامش و اطمینان کامل قلبی، رو به جمعیت وحشت زده بنی اسرائیل کرد و آنان را قوت قلب داده و گفت: «جای نگرانی نیست، آنان هرگز بر ما مسلط نخواهند شد، چون خدا با ماست و به زودی هدایت می کند.» (طباره، ۱۹۱؛ مجمع البیان، ۳۰۱/۷). نمونه دیگر در سوره طلاق است که می فرماید: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (الطلاق/۳).

کسانی که در زندگی احساس فقر و ناداری می کنند و یا دچار ناراحتی ها و نگرانی های دیگری شده اند، برای رفع این مشکلات بهتر است به قدرتی که مافوق همه قدرت هاست و فناپذیر می باشد، اعتماد کنند، و خود را به او بسپارند. و چون قدرتی بالاتر از قدرت الهی نیست، باید بر او تکیه کنند و خود و زندگی خود را به او بسپارند؛ چرا که خدا به خیر و مصلحت بندگانش واقف است. این حالت موجب می شود که او در درون خود احساس امنیت و آرامش کند و از این رو، قدرت او برای رفع مشکلات چند برابر می شود و به راحتی سختی ها و مشکلات را تحمل می کند (مکارم شیرازی، ۲۴/۲۳۸).

قرآن کریم در ماجرای دیگری با اشاره به همین کارکرد معنوی توکل می فرماید: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ *الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران / ۱۷۲-۱۷۳)؛ بنابراین وقتی ما خدا را وکیل خود قرار دادیم، نباید نا آرامی را به وجود خود راه دهیم. بر همین اساس امام علی می فرماید: «خدا را پشتیبان خود گرفتن، کفایت کننده خوبی است برای کسی که به او تکیه کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۵۹۵).

۴-۳- عزت اجتماعی و احساس بی نیازی از دیگران

توکل به خدا آدمی را از وابستگی هایی که سرچشمه ذلت و بردگی است، نجات می دهد. انسان در سایه توکل بر خدا از دیگران بی نیاز می شود، و به عزت اجتماعی دست می یابد. وقتی روحیه توکل در وجود انسان شکل بگیرد، یکی از اثرها و کارکردهای مهم آن در بُعد معنوی، احساس فقر و احتیاج ذاتی در برابر خداوند و غنا و بی نیازی از دیگران است؛ بدین معنا که انسان

در برابر دیگران احساس ذلت و عجز و ناتوانی نمی کند، و هیچ گاه در مقابل دیگران تملق و چاپلوسی نشان نمی دهد.

از امام علی (ع) نقل است که: «ای مردم بر خدا توکل کنید و به او اعتماد داشته باشید؛ چرا که انسان را از غیر خود بی نیاز می کند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق: ۲۶۵/۵۵)؛ چنان که امام سجاد (ع) تقاضا از غیر خدا را باعث مذمت دانسته و فرموده اند: «پروردگارا همانا من خود را برای تو خالص گردانیدم و از همه خلق منقطع شده ... و ابداً حوائج خود را از درگاه مخلوقی که محتاج توست طلب نکردم، چون دیدم که طلب کردن مخلوق محتاج از مخلوق محتاجی مثل خود، از سفاهت و ضلالت عقل اوست» (امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، دعای ۲۸).

همچنین در قرآن کریم آمده است که: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر/۱۰) بدین معنا که هر کس عزت می خواهد و خواهان عزت است، باید آن را از خدا متعال طلب کند؛ زیرا هیچ موجودی نیست که خودش بالذات عزت داشته باشد؛ چرا که عزت واقعی، نزد خداست، چنان که امام صادق در این باره فرموده است: «هر که دوست دارد بی نیازترین مردم باشد، باید وثوق و اعتماد او به خدا و آنچه نزد خداست بیشتر باشد، از آنچه در دست او و دیگران است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق: ۱۳۸/۷۱؛ منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعة، ۱۴/۷۵).

۴-۴- تقویت متوکلان در مقابله با شیطان های درون و برون

قرآن کریم شیطان را دشمن آشکار انسان معرفی می کند، چنان که در این آیه می فرماید: «وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (الزخرف: ۶۲) و نسبت به لزوم مراقبت و هوشیاری در برابر کید و مکر شیطان را به او تذکر داده است. شیطان برای گمراه کردن انسان و نابود کردن او قسم خورده و از هیچ کاری دریغ نمی کند. (الصاد: ۸۲-۸۳؛ الحجر: ۳۹-۴۰) (مدرسی، ۱۴۱۹، ق: ۲۶۷/۶) و همیشه و در همه حال قصد فریب انسان را دارد، و تمام سعی و تلاش خود را در این راه به کار می گیرد، و بزرگترین سلاح را برای نابودی انسان، و سوسه کردن او به امور خلاف و گناه، و منحرف کردن انسان از مسیر عبودیت و بندگی خدا می داند (طیب، ۱۳۷۸، ۱۲/۵۵۵) از این رو، بهترین راه برای اینکه از شرّ و سوسه های شیطان خلاص شویم و به آرامش روحی و روانی برسیم، پناه بردن به

خدا و توکل بر اوست؛ زیرا انسان متوکل بر شیطان و هواهای نفسانی غلبه دارد و می تواند نفس خود را آرام کند و بر شیطان پیروز شود.

و با توجه به مفاد آیه: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (النحل / ۹۹) شیطان بر کسانی که حقیقتاً ایمان دارند و به خداوند توکل می کنند، تسلطی ندارد؛ بر همین اساس افراد هر اندازه ایمان و توکل داشته باشند، به همان اندازه، از زیر سلطه شیطان بیرون می روند و در نتیجه از آلودگی و انحراف مصون خواهند بود (قمی، ۱۳۹۳ق: ۲/ ۶۳۸).

۴-۵- بر خورداری از امدادهای غیبی خدا

امدادهای غیبی و حمایت خداوند که توکل کنندگان بر خداوند از آن بهره مند می شوند، در شرایط حساس به سراغ آنان می آید و شر دشمنان را از مؤمنان و متوکلان دفع می کند؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (المائدة / ۱۱) در این آیه خدا به مؤمنان یادآوری می کند که دشمنان شما می خواستند شما را از بین ببرند، و ضربه نهایی را به شما وارد کنند و برای همیشه خود را از دست شما راحت کنند، ولی خداوند شر دشمنانتان را از شما دفع کرد، و نتوانستند کاری از پیش ببرند.

خدای متعال در آیاتی دیگر می فرماید:

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»، (آل عمران / ۱۶۰) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»، (المائدة / ۱۱) «وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِخَبْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»، (الانفال / ۶۲) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبَكَ اللَّهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (همان، ۶۴)

بر این اساس، توکل به خدا و اعتماد بر او، نصرت و امداد الهی را به دنبال دارد؛ چنان که

بر حسب آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»، پروردگار وعده داده که تدبیر امور را بر محور خواسته اهل ایمان قرار دهد، که به او توکل نموده‌اند؛ یعنی حوادث روزگار را طوری اجراء کند، که مطابق خواسته آنها باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۸۸/۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۷/۳).

خدا متعال پیوسته با نیروی امداد غیبی کسانی را که به او توکل می کنند، یاری خواهد نمود؛ چنان که می فرماید: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ نِعْمَتَهُ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (الانفال/۶۲) و در حقیقت به پیامبر و مسلمانان هشدار می دهد که در پیشنهادهای صلح از سوی دشمن، ممکن است خدعه و نیرنگی در کار باشد و آنان صلح را مقدمه‌ای برای ضربه غافلگیرانه‌ای قرار دهند یا هدفشان تأخیر جنگ برای فراهم کردن نیروی بیشتر باشد؛ اما از این موضوع نیز نگرانی به خود راه ندهند؛ زیرا خدا کفایت کار تو را می کند و در همه حال حامی و پشتیبان توست و اوست که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان پاکدل تقویت می کند (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۱۰/۱۲۴).

به هر حال بشر در زندگی خاص خود، اعم از زندگی فردی یا اجتماعی، با تکیه بر خدا در تمام امور خود مشمول لطف ها و رحمت های خاصی می شود که او را دستگیری می کند و از سقوط نجات می دهد؛ چنان که خدا درباره پیامبر اکرم می فرماید: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ * وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ». (ضحی: ۶-۸) و کمک های غیبی خدا بر متوکلان گاهی به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت است و گاهی به صورت الهامات و هدایت ها و روشنی ها و روشن بینی هاست. (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۲).

۴-۶- افزایش استقامت و پایداری روحی

شخص متوکل در پرتو اتکاء به نیروی الهی در برابر دشواری‌ها، روحیه مقاوم‌تری دارد. در این زمینه برای نمونه می توان به روحیه استقامت و پایداری پیامبر اکرم در سایه توکل به خدا اشاره کرد؛ چنان که در آیات اول سوره احزاب، پیامبر اکرم را به عدم اطاعت از کافران و منافقان دستور می دهد، که لازمه آن استقامت و پایداری در برابر آنان است. یکی از عوامل عمده در به دست آوردن روحیه استقامت نیز توکل بر خدا است؛ زیرا به دنبال نهی از اطاعت کفار و منافقان، در ادامه دستور به توکل مطرح شده است؛ «وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ

الله وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ كَيْلًا»؛ (الاحزاب / ۳)؛ یعنی ایستادگی در برابر تهدیدها و توطئه‌های کفار و مشرکان نیاز به استقامت و پایداری روحی دارد، و این مهم در سایه توکل بر خدا امکان پذیر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۲۱/ ۱۸۲؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۱۸/ ۲۵۳) در آیه دیگری نیز بعد از آنکه خدا متعال، رسول خود را از اطاعت کفار و منافقان نهی می‌کند، بلافاصله دستور به توکل داده چنین می‌فرماید: «وَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ دَعْ أَدَاَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ كَيْلًا»؛ (الاحزاب / ۴۸)؛ یعنی تو خود را در دفع آزار آنان مستقل ندان؛ بلکه خدا را وکیل خود در این دفع بدان، و خدا برای وکالت کافی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶، ۴۹۵).

۴-۷- تسهیل امور در پرتو اعتماد به خدا

از آنجا که پشتیبان انسان متوکل خدا است، کارها هر چقدر هم مشکل باشد در نظر او آسان می‌شود؛ چنان که امام علی می‌فرماید: «هر کس بر خدا توکل کند، سختی‌ها و مشکلات در برابرش آسان و هموار، و اسباب و وسایل کار برایش فراهم می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵/۵). در روایتی دیگر از امام علی آمده است: «برای متوکل هیچ سختی وجود ندارد» (همان، ۲۵/۲). اگر کسی در کارهایش توکل به خداوند داشته باشد، خدا بهترین راه و کوتاه‌ترین مسیر را برای رسیدن به هدف و مقصود شخص توکل‌کننده، قرار می‌دهد. چنان که امام علی می‌فرماید: «کسی که در دشواری‌ها و سخت‌ترین لحظات زندگی، در اوج ناامیدی، دلگرم به لطف و عنایت خدا باشد، پروردگار عالم، او را تنها نمی‌گذارد؛ بلکه در تمامی مشکلات تکیه‌گاه و حامی اوست، و بهترین و کوتاه‌ترین مسیر را برای موفقیت و رسیدن به اهدافش فراهم می‌سازد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۲۰ / ۱۳۸۷ / ۲۸۹).

آیه: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ. قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ (الطلاق / ۳) به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه، هر کس بر خدا توکل کند و کارهای خود را به او واگذار کند، و به تدبیر و تقدیر خدا اعتماد کند، خدا برای او کافی است، و تمام امورش را کفایت می‌کند (طبرسی، ۱۴۲۵ق: ۲۵ / ۱۰۰). این آیه وعده امیدبخشی است از سوی خدا به همه پرهیزکاران و توکل‌کنندگان، که سرانجام لطف الهی آنها را در برمی‌گیرد، و از پیچ و خم مشکلات

عبور می‌دهد، و سختی‌های معیشت را برطرف می‌سازد، و مشکلات و دشواری‌های امور را تسهیل می‌کند و در نهایت آنها را به سعادت رهنمون می‌سازد.

۴-۸- توسعه رزق معنوی

یکی دیگر از کارکردهای معنوی توکل، بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی و افزایش رزق و روزی در سایه توکل بر اوست. قرآن کریم وقتی از نعمت‌های الهی خبر می‌دهد می‌فرماید: «فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (الشوری / ۳۶)، از دیدگاه برخی از مفسران، مراد از «ما عندالله» ثواب‌هایی است که خدا برای مؤمنان و متوکلان ذخیره کرده تا در آخرت به مثابه پاداش به آنها بدهد، و چه نعمتی بالاتر از ثواب و پاداش‌هایی که برای مؤمنان و توکل‌کنندگان ذخیره شده است که با اعطای آن از سوی خداوند موجب رفعت مقام و مرتبه آنان گردیده، و قرب بیشتری به خدا پیدا می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۹۱/۱۸).

از پیامبر اکرم نقل است که: «هر کس از تمام اسباب منقطع شود و به خدا روی آورد و بر او تکیه کند، خدا تمام نیازهای او را کفایت خواهد کرد، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد، و هر کس به دنیا دل ببندد، خدا به دنیا واگذارش می‌کند» (مجلسی، ۱۴۲۵ ق: ۱۷۴ / ۱۷۸). قرآن کریم تصریح می‌کند که یکی از آثار تقوا و توکل، افزایش رزق و روزی و کفالت خاص خدا است. چنان که می‌فرماید: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ». از امام علی نیز در حدیثی نقل است که فرمود: «توکل کن بر خدای سبحان که خدا متضمن توکل‌کنندگان بر خود است» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳ / ۲۸۸)؛ همچنین از پیامبر اکرم روایت شده است که: «اگر شما چنان که حق توکل است، به خدا توکل کنید، خدا همان‌گونه که پرنده را روزی می‌دهد؛ که با شکم خالی می‌رود و با شکم پر بر می‌گردد، شما را نیز روزی می‌دهد» (فخر الدین رازی، ۳ / ۲۳۲).

۴-۹- افزایش رضایتمندی از زندگی

توکل و سپردن امور به خدا، و باور به خیر بودن مقدرات الهی، احساس رضایت از زندگی را در انسان افزایش می دهد. ایمان به خدا و اعتماد و اتکاء به نیروی الهی، لازمه رضایتمندی از زندگی است؛ چون در زندگی موحدانه یعنی سبکی از زندگی که در آن، انسان خدا را باور دارد و در همه امور خود بر او تکیه کرده و او را تنها منبع تنظیم زندگی خود می داند، و تمام ابعاد زندگی اش را بر اساس آموزه های او تنظیم می کند، این سبک از زندگی، سعادت و شادکامی را برای انسان محقق می کند و کسی که بخواهد به این روحیه دست یابد، باید با تمام وجود، خدا را با تمام ابعادش باور داشته باشد و از برنامه هایش پیروی کرده و در همه امور بر او توکل کند. در روایات نیز بر این مسئله تأکید شده است؛ چنان که پیامبر اکرم می فرماید: در همه قضاهای خدا، برای مؤمن خیر است (المجلسی، ۱۴۰۴: ۱/۱۳۹)؛ و در جایی دیگر فرموده است: از مؤمن در شگفتم که خدا، درباره او حکمی نمی کند، جز اینکه برایش خیر است. (ابن حنبل، ۶/۲۳۴)؛ بدین ترتیب توکل بر خدا متعال و اتکاء بر او، انسان را از تأثیر ناخوشی ها و نوسانات شدید زندگی ایمن نگه می دارد، و آرامش و آسایش را به زندگی می آورد، (متقی دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۲/۴۱۷) و جایی برای حزن و اندوه او باقی نمی گذارد (متقی هندی، ۱۰۶۱) که در نتیجه رضایتمندی از زندگی در انسان افزایش می یابد.

۴-۱۰- بهره مندی از رضایت الهی

قرآن کریم راه های گوناگونی برای کسب رضایت خدا بیان می کند که یکی از آنها، توکل بر خداست. خدا برای انسان های متوکل پاداش اخروی قرار داده است، و مقرر کردن پاداش برای متوکلان، نشانه رضایت اوست؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ لِيُزِيلَنَّ عَنْهُمْ سُرَّتَهُمْ وَيَجْعَلَ لَكُم مِّنَ الشُّعْرَاءِ سُلَاسِمًا * الَّذِينَ إِذَا أَصَابُوا مَكْرَهًا سَأَلُوا عَن ذُنُوبِهِمْ لَقَدْ جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ رَبِّهِمْ غَيْرُ لَعْنَةٍ عَلَيْهِمْ» (آل عمران / ۱۷۳-۱۷۴)؛ بر این اساس، مؤمنان به دنبال استقامت و ایمان و پایداری آشکار، که در سایه توکل و اعتماد به خدا متعال به دست آورده اند، از نعمت و فضل پروردگار برخوردار شدند و بالاتر از آن

رضایت و خشنودی خدا را به کسب کردند؛ چنان که می‌فرماید: «فَاتَّقَلَّبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسُّهُمُ سُوءٌ وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»، (آل عمران / ۱۷۴)؛ چه نعمت و فضلی بالاتر از این که بدون وارد شدن در یک برخورد خطرناک با دشمن، سالم و بدون تحمّل رنج و زحمت جنگ و نبرد به مدینه بازگشتند؛ درحالی که پاداش مجاهدان و سربازانی که در میدان نبرد با دشمن به جهاد و مبارزه پرداخته باشند به آنان عطا شد، علاوه بر اینکه رضایت و خشنودی خدا را کسب کرده و از فرمان او متابعت کردند (مکارم شیرازی، ۳ / ۱۷۵).

نمونه قرآنی دیگری که به این مطلب اشاره دارد، آیه: «فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ (الشوری / ۳۶) است که در ضمن آن به این نکته اشاره شده است که خدا برای کسانی که در این دنیا بر او توکل می‌کنند، پاداش اخروی قرار می‌دهد؛ پاداشی که بهتر و پایدارتر از متاع زودگذر دنیاست. این پاداشی است برای متوکلان، برای اینکه به او توکل کرده‌اند، و نشانه رضایت پروردگارشان است. در این آیه مراد از «ما عِنْدَ اللَّهِ» ثواب‌هایی است که خدا برای مؤمنان و متوکلان به عنوان پاداش در آخرت قرار داده است، که از متاع زودگذر دنیا بهتر و پایدارتر است (طباطبایی، ۱۷ / ۱۸: ۶۳).

در آیه دیگری نیز چنین آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»؛ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ (العنکبوت: ۵۸-۵۹). در این آیه خدا پاداش مؤمنان و صالحان را بیان می‌کند، و آنان را عامل می‌خواند و در ادامه همین عاملان را معرفی می‌کند: کسانی که صبر دارند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند؛ در واقع با این بیان، بندگان مؤمن به خدا را، به صبر در راه او و توکل بر او تشویق می‌کند (طباطبایی ۱۷ / ۱۶: ۱۴۵) این ثواب‌ها و پاداش‌ها و بهره‌مند شدن از نعمت فضل و روزی خدا در آخرت نتیجه رضایت و خشنودی خدا است، که تنها شامل حال کسانی می‌شود که خالصانه ایمان آورده و بر خدا توکل دارند.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین کارکردهای توکل در بُعد معنوی این است که، انسان متوکل همیشه از آرامشی روحی و اطمینان قلبی برخوردار است؛ آرامشی که هیچ چیز نمی‌تواند آن آرامش را از

انسان سلب کند. همواره عزیز و محبوب خدا است، عزت اجتماعی دارد و از دیگران احساس بی‌نیازی می‌کند، و هرگز به شیطان اجازه تسلط بر دل خود را نمی‌دهد؛ زیرا با سپردن تمام امور به خدا، دیگر جایی برای تسلط شیطان باقی نمی‌ماند؛ بدین ترتیب در پرتو توکل بر خدا، سختی‌ها و امور دشوار در نظر متوکلان تسهیل می‌گردد.

انسان متوکل در برابر مشکلات با کمال استقامت و پایداری روحی در پی اهداف خود به مجاهده و تلاش می‌پردازد؛ همچنین بسیاری از فضل و عنایات خاصه خداوند شامل حال او خواهد شد، و بدین ترتیب از فضل و رضایت خدا برخوردار می‌گردد؛ از سوی دیگر امدادهای غیبی خدا که به توکل‌کنندگان نوید داده شده به یاری او خواهند شتافت و در نتیجه با توکل به خدا و اتکاء بر او، رضایتمندی از زندگی در او افزایش می‌یابد.



منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند. (۱۴۱۵). تهران: دارالقرآن الکریم.
- ۲- سید رضی. نهج البلاغه (بی تا). قم: دار الهجرة.
- ۳- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبء الله. (۱۳۸۷). شرح نهج البلاغه، (تحقیق ابوالفضل ابراهیم). قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ۴- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ۵- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: کتابفروشی لطفی.
- ۸- خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم و درر الکلم. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- ۱۰- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- ۱۱- دیلمی، شیخ حسن (۱۴۱۲). ارشاد القلوب الی الصواب. قم: شریف رضی.
- ۱۲- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). امدادهای غیبی در زندگی بشر. تهران: صدرا.
- ۱۳- جعفر بن محمد الصادق (ع) (۱۴۰۰). مصباح الشریعة. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۴- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، (تحقیق: احمد عبدالغفور عطار). بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۱۵- زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، (تحقیق: علی شیری). بیروت: دارالفکر.
- ۱۶- شبر، عبدالله. (۱۳۹۵). الاخلاق. قم: مکتبه بصیرتی.

- ١٧- شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه القمى. (١٣٦١). معانى الاخبار. قم: انتشارات جامعه مدرسين.
- ١٨- طباره، عفيف عبدالفتاح. (بى تا). روح الدين الاسلامى. بيروت: دارالعلم للملايين. طباطبايى، سيد محمد حسين. (١٤١٧). الميزان فى تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- ١٩- طبرسى، حسن بن فضل. (١٤٢٥). مكارم الاخلاق. تهران: دار الفقه.
- ٢٠- طريحي، فخر الدين. (١٣٧٥). مجمع البحرين، (تحقيق: احمد حسيني). تهران: كتابفروشى مرتضى.
- ٢١- فراهيدى، خليل بن احمد. (١٤١٠). كتاب العين. قم: انتشارات هجرت.
- ٢٢- فضل الله، سيد محمد حسين. (١٤١٩). تفسير من وحى القرآن. بيروت: دار الملاك للطباعة و النشر.
- ٢٣- فيض كاشانى، ملا محسن. (١٣٦٥). اخلاق حسنه. تهران: پيام آزادى.
- ٢٤- فيض كاشانى، ملا محسن. (١٤١٧). المحجبة البيضاء فى تهذيب الاحياء، (تصحیح و تعليق: على اكبر غفارى). قم: مؤسسه انتشارات اسلامى جامعه مدرسين.
- ٢٥- قطب، سيد. (١٤١٢). فى ظلال القرآن. بيروت: دارالشروق.
- ٢٦- قمى، عباس. (١٣٦٣). سفينه البحار و مدينه الحكم و الاثار. تهران: فراهانى.
- ٢٧- غزالى، ابو حامد محمد. (١٤١٢). احياء علوم الدين. بيروت: دارالفكر.
- ٢٨- كلينى، محمد بن يعقوب. (١٤٢٩). الكافى. قم: دارالحديث.
- ٢٩- مجلسى، محمدباقر. (١٤٠٤). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بيروت: مؤسسه الوفاء.
- ٣٠- مدرسى، محمد تقى، من هدى القرآن. (١٤١٩). تهران: دار محبى الحسين.
- ٣١- مصطفوى، حسن. (١٣٦٨). التحقيق فى كلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.